



بررسی تطبیقی تقصیر در حقوق کیفری انگلیس، فرانسه، ایران و حقوق اسلامی

محسن علایی^۱، مهدی احمدپور^۲

۱- استادیار گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه پیام نور، اردبیل، ایران

۲- دانشجوی گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

Mehdi.ahmadpoorsomarin@gmail.com

چکیده

بررسی تطبیقی واژه تقصیر در حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلیس، نشان می‌دهد که قانونگذار در حقوق کیفری ایران واژه تقصیر را تعریف نکرده و تنها به ذکر مصادیق آن در تبصره آن در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اکتفا کرده و تقصیر را صرفاً در جرایم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب دانسته است. ولی حقوق کیفری انگلیس تقصیر را درجه بندی نموده و بین تقصیر و قصور تفاوت قابل شده است و حقوق کیفری فرانسه تقصیر را در معنای موسع آن بکار برده و آن را اعم جرایم عمدی و غیرعمدی می‌داند. در حقوق اسلامی نیز تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی در قاعده «اقدام» متبلور است.

کلیدواژگان: تقصیر، قاعده اقدام، جرائم عمدی و غیرعمدی، احراز

۱- مقدمه

جرم در مفهوم عام خود در قانون مجازات تعریف می‌شود و در مفهوم خاص نیز هر جرمی جداگانه عنوان مجرمانه خویش را در قانون پیدا می‌کند، اما تا شخصی مبادرت به فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون جرم شناخته شده است، نکند فعل یا ترک فعل مجرمانه در چهارچوب قانون بی حرکت باقی می‌ماند. مثال روشن آن وجود برخی جرائم است که بندرت مطرح می‌شوند و گویی هیچگاه حیاتی فعال نداشته‌اند. اما انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه موجب تولد مجرم می‌شود و این اوست که محور سؤال در مورد رفتار خویش قرار می‌گیرد. در وهله اول باید این قضیه روشن شود که شخص مجرم چه عملی انجام داده است تا بتوان آن را منطبق با قانون جرم شناخت؟ و در وهله ثانی آیا بزهکار در ارتکاب عمل خود واجد شرایط لازم برای تحمل مجازات یا اقدامات تامینی هست یا خیر؟ به عبارت دیگر، رفتار او منطبق با اندیشه و ذهنیت او بوده است یا نه؟ عناصر مادی و روانی جرم بدین شکل زاده می‌شوند؟ و لزوم بررسی آنها مشخص می‌گردد. بدیهی است کلمه مجرم یا بزهکار را باید در مفهوم وسیع آن اعم از مباشر، شریک، معاون بکار برد.

۲- مجرم و عنصر مادی جرم

اگر نسبت انسان را با عنصر مادی بسنجیم، بزهکار مسلماً کسی است که جرم را مادماً مرتکب شده و یا به اجرای آن مبادرت ورزیده است. در اصطلاح حقوقی او را فاعل یا مباشر جرم می‌نامند. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۶)، مجرم باید مبادرت به فعل یا ترک فعلی کند که ملموس، محسوس و عینی بوده و در قانون عنوان مجرمانه داشته باشد. به عبارت دیگر، کافی نیست که رفتار مجرمانه تنها توسط قانون نهی شود، بلکه وجود یک تظاهر خارجی عملی ناشی از قصد مجرمانه یا خطای جزایی توسط فاعل که جرم بوسیله آن آشکار می‌شود برای تحقق فعل مجرمانه و مجازات فاعل، شریک یا معاون لازم است. بدین شکل، می‌توان گفت عنصر مادی آدم کشی را عمل خارجی فاعل آن تشکیل می‌دهد که عبارت از تجاوز مجرم علیه انسانی دیگر است که مرگ او را در پی داشته یا عنصر مادی سرقت، ربایش شیء منقول متعلق به دیگری است، که جرم سرقت را مشخص کرده و عنصر مادی قتل غیر عمد احراز خطای مرتکب است. نمودار وجود عنصر مادی، تحقق عمل خارجی انسان است، و نتیجه مهم آن اینکه یک فکر ساده، هر چند ضداجتماعی و مملو از کششهای مجرمانه، چه خود آگاه و چه ناخود آگاه، تا هنگامی که تظاهر خارجی پیدا نکند قابل مجازات نخواهد بود و آنچه در وجدان آدمی می‌گذرد تا زمانی که عملی مادی یا ترک فعلی ملموس انجام نگیرد، در محدوده قوانین جزایی قرار نخواهد گرفت. (نوربها، ۱۳۸۳، ۱۸۲)، هر جرمی الزاماً دارای یک عنصر مادی است. از این الزام می‌توان نتیجه گرفت که تحقق جرم



موکول به عوارض بیرونی اراده ارتکاب جرم است تا وقتی مظهر خارجی اراده به صورتی از جمله فعل یا ترک فعل تحقق نیافته جرم واقع نمی شود بنابراین صرف داشتن عقیده، اندیشه و قصد ارتکاب جرم بدون انجام هیچگونه عمل مادی قابل تعقیب و مجازات نمی باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۲۸۴)، در رکن مادی جرم مخالفت وقتی تحقق می یابد که در خارج مصداق پیدا کند و گرنه قصد و اراده مخالفت نیست. (قبله ای خویی، ۱۳۹۱، ۱۶۱)

۳- انواع رفتار مجرمانه

رفتار مجرمانه می تواند به شکل مثبت باشد (فعل) یا منفی (ترک فعل) در کنار این دو گروه اساسی، گاه اعمالی مثبت ناشی از رفتاری منفی آشکار می شود (فعل ناشی از ترک فعل) و گاه عناوینی مستقل از فعل و ترک فعل برای توجیه رفتار مجرمانه مورد بحث قرار می گیرد چون داشتن و نگهداری کردن) یا ایجاد حالتی در فرد که این مفاهیم نیز در چهار چوب فعل یا ترک فعل با اندکی تسامح قابل توجیح است. (نورپها، ۱۳۸۳، ۱۸۳)

۴- احراز رابطه علیت در رفتار مجرمانه

عزم و تصمیم بر ارتکاب جرم به تنهایی دارای هیچ گونه آثار جزائی نیست. زیرا قصد و نیت بر ارتکاب جرم، امری است باطنی و قابل ندامت و پشیمانی، این مرحله برای امنیت عمومی خطری ندارد و تنها در صورت ثبوت، حاکی از خبث طینت فرد است. در حقوق اسلام نیز برای نیت بر گناه مجازاتی نیست. مگر اینکه به دنبال عزم و تصمیم جدی بر گناه، عمل در خارج محقق گردد و باید میان فعل و ترک فعل مجرمانه و نتیجه آن، چه در جرایم عمد و چه در جرایم غیر عمد، شبه عمد و یا خطئی رابطه علت و معلولی باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۰۶)، لازم به ذکر است در این خصوص چهار نظریه مطرح است. (نورپها، ۱۳۸۳، ۱۸۸-۱۹۱)

۴-۱- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط واجب یا ضروری نتیجه

این نظریه مسأله را به نحو ساده ای توجیه کرده است: برای اینکه بدانیم خطا به چه نحوی توانسته است ایجاد خسارت کند، باید به این مطلب توجه کنیم که آیا خطای کیفری شرط واجب یا ضروری نتیجه داده شده است یا نه؟ با این توجیه می توان گفت که خطای صاحب تفنگ شرط ضروری نتیجه حاصل بوده است، زیرا اگر او شلیک نمی کرد نتایج بعدی حاصل نمی شد. بر این نظریه این ایراد وارد شده است که در کنار خطای اولیه خطاهای دیگری هم که هر یک می تواند شرط ضروری برای نتیجه حاصله باشد به وجود آمده است و هر کدام از این شرایط با دیگری برابر است. برخی از نویسندگان در توجیه ایراد فوق بین شرایط مرتبط با نتیجه تفتیک قایل شده اند، و با توجه به تعدد شرایط، عواملی از قبیل زمان جرم، محل جرم، سن و جنسیت مجنی علیه یا مرتکب جرم و شرایط دیگر را مورد لحاظ قرار دادند و بسیاری از این عواملی که هیچ گونه تاثیری از نظر بررسی نتیجه ندارند، طرد نموده و تنها به آنهایی طبق تعریف قانون به نتیجه می انجامند توجه نموده اند. به عنوان مثال اگر علتی از علتهای عمل کودک یا دیوانه باشد، می توان به دلیل عدم مسئولیت کیفری مرتکبان آن علتهای نادیده انگاشت. اشکالی که به نظر اخیر می توان وارد کرد، این است که قدرت علیت و اینکه کدامیک از علل نقش اساسی دارند و معیارها در این زمینه چیست، مبهم باقی می ماند.

۴-۲- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط متصل به نتیجه

برخی نویسندگان پیشنهاد کرده اند که علل خیلی دور به نتیجه را باید رها کرد و تنها عللی که متصل به نتیجه هستند مورد توجه قرار داد، یعنی عللی که در ارتباط مستقیم و بی واسطه با خسارت هستند، به نحوی که برای مسئولیت کیفری فاعل جرم، خطا باید نزدیک، بی واسطه و مستقیم با خسارت باشد. ایرادی که بر این نظریه وارد شده است این است که طرز تفکر مزبور مسأله علیت را بسیار دور و آن را تنها محدود به خطای متصل به نتیجه می سازد و خطاهای دیگر مورد اغماض واقع می شوند که بدین شکل در تقسیم مسئولیت کیفری عدالت رعایت نخواهد شد.



۳-۴- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط متحرک نتیجه

به عقیده برخی دیگر از حقوق دانان انگلیسی باید بین شرایط ثابت و متحرک تفکیک قائل شد. فقط شرایط متحرکند که می توانند در دنیای خارج تغییراتی محسوس ایجاد کنند و شرایط ثابت و بی حرکت فاقد این قدرت هستند. مثالی در این مورد مطلب را روشن می سازد: شخصی با بی احتیاطی خود موجب مجروح شدن دیگری می شود که این دیگری خود به بیماری قلبی دچار است و به دنبال حادثه مجروح شدن فوت می کند. این مرگ دو علت دارد: اول علت محرک که عمل شخص اول است که موجب تغییراتی در شخص دوم می گردد، و دوم علت ثابت که حالت عدم سلامتی شخص اخیر است. براین نظریه این ایراد انتقاد وارد شده است که در عمل نمی توان آن را بکار بست، زیرا منجر به عدم مجازات ترک فعل در همه شرایط می شود زیرا ترک فعل غالباً حالت ایستا دارد.

۴-۴- نظریه خطای کیفری به عنوان شرط کافی نتیجه

این نظریه بدین شکل مطرح می شود که بهتر است از خسارت شروع کرده و کلیه شرایط ضروری برای ارتکاب عمل مجرمانه را مورد توجه قرار داد و تمام شروط غیر کافی را برای حصول نتیجه کفایت نمی کنند، طرد کرد و آنهایی را که واقعاً و به نظر صحیح یا مناسب برای تحقق نتیجه هستند برگزید. اما برای رسیدن به واقعیت باید در راه عملی و علمی قدم برداشت. شهادت شهود، اظهارات متهم، نظرات کارشناسان و متخصصان کمک می کنند تا بتوان به نتیجه گیری منطقی رسید. برای حصول این مقصود باید در مورد هر حالت جداگانه به بررسی پرداخت و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرارداد تا به کشف واقعیت نائل آمد. اگرچه این نظریه به علت اینکه دادگاه باید به مسائل متعددی توجه کند در عمل موجب طولانی شدن تعقیب و رسیدگی خواهد شد، اما به نظر می رسد که به شکل منطقی تری راه حل ارائه می دهد. می توان گفت براین نظریه که بر مبنای علم و تجربه قرار دارد و به قاضی جزایی امکان می دهد تا از این ابزار در جهت احراز واقعیت کمک بگیرد، بیشتر از نظریه های دیگر می توان تکیه کرد. (همان)

۵- مجرم و عنصر روانی جرم

علاوه بر عنصر قانونی مبنی بر پیش بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم شامل وقوع عمل در خارج باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه درونی (یا رابطه ارادی) موجود باشد که آن را عنصر اخلاقی (یا روانی یا معنوی) می نامند. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۲۰)، اشخاصی هستند که شرعاً قلم تکلیف از آنان برداشته شده است و قصد آنان کلا قصد است: «رفع القلم عن الصبی حتی یحتلم و عن المجنون حتی یفقی»، بنابراین مخالفت صبی و مجنون جرم محسوب نمی شود. (قبله ای خوبی، ۱۳۹۱، ۱۶۱)، چون جرم با اجتماع عناصری از جمله عنصر روانی تحقق می یابد، در نتیجه برای ارتکاب جرم و بزهکار بودن باید پیش از همه توانایی درک و اراده برخوردار بود. چنین کیفیاتی را در ظاهر باید در وجود انسانها یعنی اشخاص جستجو کرد. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۱۹)، بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد و یا در اجرای عمل به نحوی از انحاء بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی شناخت. (نوربها، ۱۳۸۳، ۱۹۶)

۵-۱- قصد مجرمانه و خطای جزایی

در حقوق جزا «قصد مجرمانه» را می توان میل و خواستن قطعی و منجز به انجام عمل و یا ترک عمل دانست که قانون آن را نهی کرده است. البته، در اینجا میل، خواستن یا اراده باید در شرایط متعارف یک انسان عاقل، مختار و واجد رشد جسمی و روانی (شرایط عامه تکلیف) مطرح گردد، زیرا زوال عقل و اختیار و یا عدم رشد موجب می شود که تمایل یا اراده بر ارتکاب جرم مخدوش گردیده و مسئولیت کیفری مجرم غالباً از میان برود و یا به مسئولیت جزایی تخفیف یافته تبدیل شود. (نوربها، ۱۳۸۳، ۱۹۶)، باید مخاطب اهلیت خطاب را داشته باشد یعنی به حدی برسد که خطاب و تکلیف به او متوجه شود و این همان رکن معنوی یا رکن ادبی جرم است. (قبله ای خوبی، ۱۳۹۱، ۱۶۷)، تفسیر یا خطای کیفری عنصر روانی جرایمی است که اصطلاحاً غیر عمدی نامیده می شوند و به موجب تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «اعم از بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی.» چه، در تمام موارد مذکور، فاعل در تحصیل نتیجه فعل ارتکابی به هیچ وجه عامد نیست. ولی ترتب نتیجه بر فعل به حدی محتمل است که انجام دادن فعل یا در مواردی احتراز از آن لازم است. برای مثال، وضع راننده اتومبیلی که بر اثر



بی توجهی به خط عابر پیاده، رهگذر را سرنگون و به هلاکت می رساند و یا کارگر صنعت نفت که بر اثر اهمال، مواد آتشنا یا منفجره را نزدیک دستگاههای تصفیه یا مخازن نفت بر نمی دارد و در نتیجه آتش سوزی موجب هلاکت نفس می شود. در هر دو مثال، خطا چه به صورت بی احتیاطی و چه به صورت بی مبالائی علت مستقیم نتیجه مجرمانه است. قانونگذار خطا را تعریف نکرده و تنها به ذکر موارد و مصادیق آن در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مذکور بسنده کرده است. در موادی از قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) از «بی احتیاطی یا بی مبالائی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده» سخن به میان آورده است. برای تشخیص خطا، قاضی به جای بررسی حالات روانی و تعیین میزان دور اندیشی فاعل، به فعل او توجه می کند و برای سنجش آن ملاک عرفی را به کار می برد. اگر وقوع نتیجه عرفاً محتمل باشد خطا محقق است و گرنه خطا محرز نیست. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۴۵-۲۴۷)، هرگاه عامل فقط ارتکاب فعل را اراده نموده و نتایج حاصله از آن منظور وی نباشد، خطای جزائی مطرح است ولی مسئولیت وی به این لحاظ است که در پیش بینی عواقب عمل خود غفلت کرده است. عنصر معنوی در جرائم ناشی از تخلفات رانندگی (موضوع مواد ۱۴۹ به بعد قانون تعزیرات) سابق و مواد ۷۱۴ به بعد قانون تعزیرات لاحق در فصل بیست و نهم شامل خطای جزائی و یا تقصیر جزائی (به جای سوء نیت) است. در جرایم غیر عمدی نتیجه عمل، مورد اراده و مقصود و مطلوب مرتکب نیست ولی چون مرتکب نتیجه را پیش بینی نکرده است از این جهت خطا کار محسوب و مستوجب کیفر است. شرط اساسی در این قبیل جرائم احراز وجود رابطه علیت میان واقعه و خطای مرتکب است. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۲۳-۴۲۸)

۵-۲- جرایم عمدی

با تعریف قصد می توان جرایم عمدی را از جرایم غیر عمدی تفکیک کرد. جرایم عمدی جرایمی هستند که مجرم با قصد منجز مجرمانه یعنی با تمایل و خواستن انجام عملی که قانون آن را منع کرده است و یا ترک فعلی که به موجب قانون ممنوع شده بدان مبادرت می ورزد. به عبارت دیگر، عنصر روانی جرم در این گونه جرایم همان «قصد مجرمانه» است. برخی حقوق دانان این قصد را در اراده انجام عمل مجرمانه و اخذ نتیجه با شناسایی خصیصه غیر مشروع عمل توجیه می کنند، اما به اعتقاد ما خواستن نتیجه در قصد مجرمانه در ارتکاب مادی عمل منعکس می شود و لذا اگر کسی با قصد مجرمانه عملی را انجام دهد و نتیجه حاصل شده را نخواهد، قصد بر همان میزان از عمل انجام شده منطبق می گردد نه نتیجه ای که مورد توجه مجرم بوده یا نبوده است. (نوربها، ۱۳۸۳، ۱۹۷)، جرایمی هستند که عنصر معنوی آنها سوء نیت یا قصد مجرمانه است. مانند قتل عمدی، سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۳۵)، یعنی مجرد قصد و اراده، جرم محسوب نمی شود. بنابراین، قصد ارتکاب جرم بدون انجام عمل مادی قابل تعقیب و مجازات نیست و تا زمانی که مقرون با رفتاری در خارج آشکار نشود، بر دیگران قابل درک نیست؛ زیرا اگر قصد و اراده جرم، جرم باشد مجرد اینکه به تنهایی قابل کشف و درک نیست نمی تواند برای تعقیب و مجازات نکردن عذر موجه باشد. قصد ارتکاب جرم از این جهت مانند خود ارتکاب جرم است، گاهی نمی توان هیچ یک از آنها را کشف کرد و گاهی می توان هر دو را به طریق یبینه و اقرار کشف نمود. (قبله ای خوبی، ۱۳۹۱، ۱۶۴)

۵-۳- جرایم غیر عمدی و خطای جزایی

خطای جزایی عبارتست از رفتاری مبتنی بر بی احتیاطی، بی مبالائی، غفلت و سهل انگاری که نتیجه آن اعمال مجازات برای مرتکب آن است و بیشتر در جرایم غیر عمدی متصور می باشد هر چند در جرایم عمدی نیز می توان از نوعی خطای جزایی عمدی بحث کرد. جرایم غیر عمدی جرایمی هستند که در آنها قصد مجرمانه بدان شکل که اشاره شد وجود ندارد و غالباً یک خطای جزایی به عنوان عنصر روانی این جرایم عنوان می کنند و مصادیق متعددی برای این خطا می شناسد، نظیر بی احتیاطی، بی مبالائی، غفلت، سهل انگاری و عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی. در این مورد، جرم را غیر عمدی می گویند. برخی حقوق دانان معاصر چنین جرایمی را غیر قابل پیش بینی نامیده اند. در این گونه جرایم یک تمایل منجر به انجام جرم وجود ندارد و تنها «خطای» ساده مجرم موجب می شود که عمل او در دایره جرایم غیر عمدی قرار گیرد. راننده ای که بدون توجه به چراغ قرمز با سرعت از چهار راه می گذرد و با عابری برخورد می کند می تواند پیش بینی این حادثه را بکند، یا خانمی که در بالکن خانه اش گلدان بزرگی می گذارد که در معرض باد قرار دارد و هر لحظه احتمال می رود بر روی عابری که از کوچه می گذرند سقوط کند شاید به این نکته که ممکن است بی احتیاطی او مشکلاتی ایجاد کند توجه داشته باشد ولی تمایل او بر انجام خطا آشکار نیست و گاه نیز نا خود آگاه است. به هر حال، نمی توان این جرایم را «عمدی» تلقی کرد ولی وجود یک یا چند خطای جزایی جهت مجرمیت بزهکار و استحقاق او برای مجازات کافی است. (نوربها، ۱۳۸۳، ۱۹۸)، در جرایم غیر عمدی نتیجه عمل، مورد و مقصود و مطلوب مرتکب نیست ولی چون مرتکب نتیجه را پیش بینی



نکرده است از این جهت خطا کار محسوب و مستوجب کیفر است. شرط اساسی در این قبیل جرایم احراز وجود رابطه علیت میان واقعه و خطای مرتکب است. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۴۲۸)، فعالی که فاعل در انجام دادن آن به هیچ وجه قصد مخالفت با اوامر و نواهی قانونگذار ندارد، لیکن به علت بی احتیاطی و یا بی مبالاتی و یا عدم رعایت مقررات و نظامات دولتی نتیجه ای پدید می آورد که خواست قانونگذار نیست. در جرایم غیر عمدی خطای کیفری شرط تقصیر است. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۸۱)

۵-۴- احراز قصد مجرمانه و خطای جزایی

گلدوزیان در محشای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص موقعیت معاذیر قانونی معافیت از مجازات، عوامل موجهه جرم و علل شخصی رافع مسئولیت کیفری بیان می کند: قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در بخش چهارم؛ عنوان «شرایط و موانع مسئولیت کیفری» مسئولیت شخصی (عقل، بلوغ، اختیار) را از نظر مرتکب جرم به عنوان مباشر، معاون و مسبب و حتی مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری و تقصیر را مورد توجه قرار داده است و برای اشخاص حقیقی و حقوقی نیز قابل به مسئولیت کیفری گردیده است همچنین در مواد قانونی مختلف قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جمله ماده ۱۵۲ (ارتکاب رفتاری مجرمانه، در حالت ضرورت هنگام بروز خطر شدید) ماده ۱۵۱ (ارتکاب رفتاری بر اثر اکراه غیر قابل تحمل که قانوناً جرم است) و ماده ۱۵۳ (ارتکاب رفتار مجرمانه و معافیت از مجازات در حال خواب و بیهوشی) ماده ۱۵۴ (راجع مسلوب اختیار شدن، مست و بی ارادگی حاصل از مصرف مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها و معافیت از مجازات مرتکب) ماده ۱۵۸ (ارتکاب رفتار مجرمانه و غیر قابل مجازات بودن آن رفتار به حکم یا اجازه قانون و مصادیق بندهای الف، ب، پ، ث، ج) و ماده ۱۵۹ قانون مورد بحث درباره (اشتباه مأمور در اجرای امر غیر قانونی و ارتکاب رفتار مجرمانه) در همه ی این موارد مساله ای «معاذیر قانونی معافیت از مجازات» مطرح است که در اختیار دادگاه می باشد. یعنی رفتار مجرمانه باید با تشکیل پرونده کیفری در دادسرا و جمع آوری دلایل ارتکاب جرم و تحت تعقیب قرار گرفتن مرتکب انجام شود. آنگاه با صدور کیفرخواست و طرح دعوای کیفری در دادگاه، مرتکب در صورت احراز بیگناهی در دادگاه کیفری از مجازات معاف می شود. نتیجه اینکه در موارد «معاذیر قانونی و معافیت از مجازات» مرتکب مسئول رفتار مجرمانه خویش است اما قانونگذار در بعضی از جرایم ارتكابی بنا بر ملاحظیات سیاست کیفری به منظور تشویق در کمک به کشف جرایم خاصی و یا جلوگیری از ادامه عملیات مجرمانه، به جای برائت متهم، مرتکب را از کیفر معاف می کند. استناد به معاذیر قانونی برای معافیت متهم از مجازات پس از احراز مسئولیت و تقصیر متهم از اختیارات دادگاه است. ولی در موارد علل رافع مسئولیت در صورتی که به دادگاه مطرح و احراز شود، حکم برائت متهم (به علت فقدان مسئولیت) صادر می گردد و دیگر نیازی به استناد به معاذیر قانونی برای معافیت مرتکب از مجازات وجود ندارد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۱۷۱)، قصد مجرمانه را گاه قانون با عناوینی مانند عالماً عامداً (ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات) یا قصد تقلب (ماده ۵۱۹ قانون تعزیرات) مشخص می کند، اما اغلب چنین نیست که قانون از این عناوین استفاده کند بلکه با توجه به منطوق و گاه مفهوم قانون به این قصد پی برد. مثلاً ماده ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات می گوید: «هر گاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند به حبس از یک سال الی سه سال محکوم خواهد شد». در این ماده بحثی از علم و عمد و یا آگاهی به میان نیامده اما قانون با بکار بردن کلمات «قهر و غلبه» نشان داده است که اگر کسی به چنین عملی مبادرت ورزد دارای قصد مجرمانه است. یا طبق ماده ۵۴۱ قانون جدید تعزیرات: در منطوق این ماده مشکل بتوان قصد مجرمانه را پیدا کرد، اما مفهوم ماده آشکار می کند که باید شرکت در امتحان با چنین قصدی باشد. به هر تقدیر، احراز قصد مجرمانه در هر حال با دادگاه است که با توجه به جرم ارتكابی و نحوه ارتكاب، مدافعات متهم و استدلالهای وی و استفاده از نظر متخصصان و کارشناسان و جهات دیگر بدان توجه خواهد کرد. علی رغم این دقت، گاه احراز قصد مجرمانه بسیار دشوار است و چاره ای برای دادگاه نخواهد بود جز آنکه در این موارد جرم عمدی را به غیر عمدی تغییر دهد و یا به صدور حکم برائت مبادرت ورزد. خطای جزایی نیز غالباً با صراحت در قانون قید می گردد، به عنوان مثال در مواد ۶۱۶ و ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات کلمات بی احتیاطی، عدم مهارت، بی مبالاتی و یا عدم رعایت نظامات دولتی قید شده است، که این موارد از مصادیق خطای جزایی می باشد. (نوربها، ۱۳۸۳، ۱۹۹)

۶- نظام حقوقی کامن لو

این نظام حقوقی بزرگ در انگلستان شکل گرفته و به تدریج به خاطر روحیه استعماری انگلیس و قابلیت های این نظام حقوقی به سایر کشورهای جهان توسعه یافت بطوری که امروزه حدود یک سوم کشورهای جهان تحت تاثیر حقوق کامن لو قرار دارند، این نظام حقوقی بر قوانین و مقرراتی استوار است که در دادگاه ایجاد شده و توسعه یافته و در آراء قضایی متبلور شده است. بنابراین نقش رویه قضایی در نظام کامن لو بسیار



مهم است، زیرا دادگاهها موظفند در موارد مشابه مطابق آراء سابق رأی دهند. متابعت از آراء سابق در موارد مشابه بعدی و احترام به سوابق قضایی موجب تشکیل نظام حقوقی با عنوان کامن لو شد. با این توجیه، قضات استدلال می‌کردند که آنان حقوق را ایجاد نمی‌کنند بلکه حقوق را اعمال می‌کنند. (شیروی، ۱۳۸۵، ۱۲۲)

۷- نظام حقوقی نوشته

نظام حقوقی نوشته یکی از مهمترین نظامهای بزرگ حقوقی دنیا است که با امپراطوری روم شروع شده و بتدریج بر بخش اعظم اروپا، امریکای مرکزی، امریکای جنوبی و بخشی از آفریقا و آسیا من جمله ایران تسلط دارد. بخش بزرگی از حقوق بین الملل عمومی و حقوق جامعه اروپا به وسیله کسانی توسعه یافته است که در این نظام حقوقی آموزش دیده اند. هرچند این نظام حقوقی در روم آغاز شد و از آنجا به سایر کشور های اروپایی از جمله فرانسه سرایت کرد، اما از قرن هفدهم تأثیر گذاری فرانسه بر روند شکل گیری این نظام حقوقی اهمیت زیادی یافت. بروز مکتب روشنفکری در فرانسه، ظهور نظریه پردازان مهمی چون منتسکیو و ژان ژاک روسو در باب حکومت و حقوق اساسی، تحقق انقلاب کبیر فرانسه، تهیه و تنظیم قانون مدنی فرانسه و اشاعه این قوانین توسط ناپلئون در فتوحات از جمله دلایل این تأثیر گذاری بود. در این نظام بزرگ حقوقی قانون مکتوب منبع اصلی و بی بدیل حقوق تلقی می‌شود. که از این طریق می‌توان عدالت را در سراسر کشور گسترش داد و به نظم اجتماعی کمک کرد و از تفسیر و تعبیر قوانین جلوگیری نمود، در نتیجه دولت نیز می‌تواند سیاستهای ارشادی خود را در زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی و فرهنگی اعمال کند. (شیروی، ۱۳۸۳، ۱۲۲)، حقوق ایران از نظام حقوقی نوشته تبعیت می‌کند. در حقوق ایران قوانین و مقررات به صورت کلی و عام به وسیله قانونگذار به تصویب می‌رسد و به وسیله دادگاهها با مصادیق و موارد تطبیق داده شده و مطابق با آنان اختلافات حل و فصل می‌گردد. (علیرضاپور، ۱۳۹۲، ۷)

۸- تقصیر در حقوق کیفری انگلیس، فرانسه، ایران

۸-۱- تقصیر در حقوق کیفری انگلستان و فرانسه

در حقوق کیفری انگلستان تقصیر مرتکب درجه بندی شده و بین تقصیر و قصور مرتکب تفاوت قائل شده اند، همچنین درجات تقصیر را تقسیم بندی کرده اند بطوری که عواقب برخی جرایم غیر عمدی را شدیدتر از جرایم عمدی می‌دانند و این حسن حقوق کیفری انگلیس نسبت به حقوق کیفری ماست که تقصیر را درجه بندی ننموده و فقط به ذکر مصادیق تقصیر در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، اکتفا نموده است. در حقوق کیفری فرانسه تقصیر در معنای موسع آن بکار رفته بطوری که هم شامل جرایم عمدی و غیر عمدی می‌شود. در حالی که در حقوق کیفری ما در معنای مضیق آن بکار رفته که صرفاً شامل جرایم غیر عمدی می‌شود.

۸-۱-۱- عنصر روانی تقصیر در حقوق کیفری انگلیس در جرایم عمدی و غیر عمدی دارای ۲ نظریه می‌باشد:

۸-۱-۱-۱- موافقت اراده با نتیجه؛ این نظریه در جرایم عمدی مثل سرقت روشن و قابل فهم است ولی در جرایم غیر عمدی به علت اینکه وقوع جرم در نتیجه اراده شخص می‌باشد، مبهم و قابل نقد است.

۸-۱-۱-۲- نظریه اراده مخالف اراده قانونگذار؛ این نظریه که به نظر می‌رسد مخالف نظریه فوق نیست و در کنار نظریه مذکور قرار دارد، تقصیر را به معنای اراده مخالف، اراده قانونگذار معنا نموده است. البته این نظریه برخلاف نظریه فوق هم در جرایم عمدی و هم جرایم غیر عمدی روشن و قابل فهم است.

۸-۱-۲- تقصیر در حقوق کیفری انگلیس دارای ۲ تقسیم بندی می‌باشد:

۸-۱-۲-۱- ضابطه نوعی: مطابق این تقسیم بندی هر فردی در سنی مزبور قرار گیر مسئول است. ملاک مسئولیت در این نوع تقسیم بندی سن مرتکبین است و شرایط عامه تکلیف در مسئول بودن و عدم مسئولیت مرتکبین لحاظ نشده است.

قانونگذار ایران از این تقسیم بندی تبعیت کرده است و این یکی از انتقادات به قانون مزبور خصوصاً در مادتهای ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان می‌باشد، که ملاک مسئولیت کیفری اطفال را سن آنها مشخص نموده، و شرایط عامه تکلیف را در پذیرش مسئولیت اطفال لحاظ نکرده است.

۸-۲-۱-۲- ضابطه شخصی: در این نوع تقسیم بندی شخص مجرم باید شرایط عامه تکلیف را داشته باشد، تا مجازات شود و وجود و عدم وجود اراده در آن مطرح نیست. و کودکان به خاطر عدم درک جزایی مصونیت کیفری دارند. حقوق غرب اغلب از این نوع ضابطه در تقسیم بندی تقصیر استفاده نموده است. (نوروزی، ۱۳۹۴)

۸-۲- تقصیر در حقوق کیفری ایران

حقوق کیفری ایران تقصیر را تعریف نکرده و صرفاً به ذکر مصادیق آن (بی احتیاطی، بی مبالاتی، مسامحه، غفلت، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها) در تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اکتفا نموده است. همچنین در ماده ۱۴۵ قانون مزبور تقصیر را برخلاف حقوق فرانسه در معنای مضیق آن بکار برده و آن را صرفاً شامل جرایم غیر عمدی به شرط احراز تقصیر مرتکب، ذکر کرده است. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۴۵)، گلدوزیان در محشای قانون مجازات اسلامی در تفسیر ماده فوق می نویسد: منظور از احراز تقصیر مرتکب یعنی رفتار مجرمانه باید با تشکیل پرونده کیفری در دادسرا و جمع آوری دلایل ارتکاب جرم و تحت تعقیب قرار گرفتن مرتکب انجام شود. آنگاه با صدور کیفرخواست و طرح دعوی کیفری در دادگاه، مرتکب در صورت احراز بی گناهی در دادگاه کیفری از مجازات معاف می شود. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۱۷۱)، قانونگذار در بند پ ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جنایت به سبب تقصیر مرتکب را از مصادیق جنایات شبه عمدی آورده است، مشروط بر اینکه جنایت واقع شده یا نظیر آن مشمول تعریف جنایت عمدی نباشد. نظر به این که وجود رابطه علیت و سببیت بین خطای منتسب به متهم و حادثه منتهی به فوت شرط اصلی تقصیر و مجرمیت است و تبصره ۳ ماده ۲۹۵ ق.ا.م.ا. ۱۳۷۰، هم عدم رعایت نظامات را در صورتی مبنای مسئولیت قرار داده که رابطه مزبور به نحو مرقوم موجود باشد. (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ۴۰۶)، در ماده ۳۰۷ قانون م.ج.ا. ۱۳۹۲، در خصوص ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان گردان و مانند آنها قصاص ثابت است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است. (نوروزی، ۱۳۹۴)، گلدوزیان در تفسیر ماده فوق در محشای ق.ا.م.ا. ۱۳۹۲، بیان می کند: یعنی اصل بر این است که شخص بر اثر مستی مسلوب الاراده نیست و این امر باید توسط دادگاه احراز شود. شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۶۳-۷۱/۳/۳۱-آورده است: صرف شرب خمر موجب سقوط تکلیف نمی باشد و هیچ گونه دلیلی دال بر این که متهم مذکور به کلی مسلوب الاختیار و فاقد قصد بوده وجود ندارد تا مشمول ماده ۲۲۴ ق.ا.م.ا. ۱۳۷۰، شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۳، ۲۹۹)

۹- تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و حقوق غرب

۹-۱- حقوق غرب: در این نظام قاعده تقصیر زیان دیده که از آن به قاعده «تقصیر مشترک» یاد می شود، پیشینه ای در حدود یک قرن دارد. این قاعده نخستین بار در حقوق رم، مطرح و مورد استناد قرار گرفت و به قاعده «همه یا هیچ» معروف گشت؛ زیرا به یاور رومیان یا تقصیر کاملاً به خواننده منتسب است و او باید همه خسارت وارده را بپردازد و یا آنکه به هیچ وجه به خواننده منتسب نیست و حالت میانه ای قابل تصور نیست. پس مطابق قاعده زیان دیده ای که تقصیر او در پیدایش خسارت نقش داشته است، حق جبران خسارت را ندارد؛ چون خسارت منتسب به فعل خود اوست، تقصیر مشترک سبب معافیت کامل ورود زیان از جبران خسارت خواهد بود. (بوهلن، ۱۹۰۸)

زمان پیدایش این قاعده در حقوق کامن لو مورد اختلاف است؛ برخی از نویسندگان، پیدایش آن را در ایالات متحده آمریکا در پرونده بروان علیه کندال در سال ۱۸۵۰ مورد استناد قرار دادند. (گلوباردس، ۲۰۰۹)

رویه قضایی کامن لو توانست اندک اندک این قاعده خشن را تعدیل نموده، و قاعده «آخرین فرصت» ابداع نماید. مطابق این قاعده کسی که آخرین فرصت احتراز از خطر و بروز حادثه را داشته، ولی در اثر تقصیر خود آن فرصت را از دست داده است، مسئول جبران خسارت خواهد بود. (جیمز، ۱۹۵۳)

البته این قاعده نیز خالی از اشکال نبود؛ از این رو در حقوق انگلیس قانونگذار، نخست در سال ۱۹۱۱ «قانون کنوا نسیون دریایی» را در باره تصادف کشتی ها وضع کرد. و بلاخره در سال ۱۹۴۵ با تصویب قانون اصلاحی تقصیر مشترک، خسارت را بر پایه درجه تقصیر هریک از عاملان ورود زیان تقسیم کرد. (فریدمن، ۱۹۹۹)

اصلاح تقصیر زیان دیده در حقوق فرانسه با توجه به ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی، باعث کاهش جبران خسارت می شود. البته برخی بر آنند که قوانین خاصی در زمینه حوادث رانندگی رسیده که گاه کاهش جبران خسارت را منوط به آن کرده اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۴)



۹-۲- حقوق اسلامی: در حقوق اسلامی قاعده تقصیر زیان دیده گرچه به عنوان یک مبحث مستقل در کتابهای فقهی مطرح نشده است، ولی این بدان معنا نیست که فقیهان بدان نپرداخته اند. قاعده «اقدام» در فقه به لحاظ تاریخی وضع مشابهی با قاعده تقصیر یا خطای مشترک دارد؛ زیرا در فقه نیز قاعده اقدام از مسقطات ضمان است و اقدام زیان دیده موجب معافیت کامل عامل زیان می گردد. به عنوان نمونه در صورتی که خریدار با علم به اینکه با فضول معامله می کند و مال را از مالک حقیقی نمی خرد، حق مطالبه خسارت را از فضول نخواهد داشت. و یا اگر فردی مال خود را به کودک یا دیوانه بسپارد و کودک یا دیوانه، کالا را تلف کند مالک حق رجوع به متلف کودک یا دیوانه را نخواهد داشت؛ زیرا مالک به زیان خود اقدام کرده است. بنابراین قاعده اقدام هنوز هم در فقه یک دفاع مطلق و کامل تلقی می شود. و جایی که اقدام زیان دیده با تقصیر دیگری موجب پیدایش خسارت می گردد، در قاعده اقدام بررسی نمی شود. (المراغی، ۱۴۲۵)

امروزه برخی از استادان حقوق بر آنند که دامنه اقدام را نباید به آنچه فقیهان پرداخته اند محدود کرد. به باور دسته از صاحب نظران درست است که به طور سنتی قاعده اقدام ناظر به جایی است که اقدام زیان دیده علت منحصر در بروز خسارت به شمار می آید، ولی باید دامنه آن را گسترش داد تا جایی را که تقصیر زیان دیده به تقصیر دیگری گره خورده، این دو باهم موجب پیدایش خسارت می گردد، را هم در برگیرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۴) بنا برین ارائه چنین تفسیری از قاعده اقدام موجب گسترش دامنه آن می گردد و در هر مورد باید حکمی جداگانه داد؛ جایی که اقدام زیان دیده علت منحصر در وقوع خسارت است زیان دیده برای جبران خسارت حق رجوع ندارد و خودش باید تاوان کار خود را بدهد و در واقع، اقدام مسقط ضمان است، ولی در جایی که تقصیر زیان دیده در کنار تقصیر دیگری موجب بروز خسارت می گردد، زیان دیده نسبت به اندازه ای که خطای خودش در بروز مسئولیت دخالت نداشته حق رجوع به مقصر شریک دارد. بدین ترتیب برپایه این تفسیر از اقدام، اشتراک در مسئولیت که در فقه مطرح می گردد طبق قاعده اقدام توجیه می گردد؛ چرا که استاد به هر دو نظریه روشن می سازد که خسارت متناسب به یک عامل نیست. (حکمت نیا، ۱۳۸۶)

نکته ای که باید در نظر داشت، منظور از تقصیر زیان دیده این است که عرف زیان را متناسب به فعل زیان دیده و دیگری بیاید؛ یعنی طبق داوری عرف عمل زیان دیده در کنار عمل دیگری موجب خسارت شده باشد و صرف انتساب عمل به عاملان برای ضمان کافی نخواهد بود. برپایه دیدگاهی که در فقه پیروان سرشناسی دارد صرف انتساب عمل به خطا کار، موجب ضمان است. البته نگاهی به آراء فقیهان روشن می سازد، که فقیهان در لا به لای مباحث خود به موضوع تقصیر زیان دیده پرداخته و آن را بررسی کرده اند و حتی به باور برخی از صاحب نظران، مفهوم تقصیر مشترک و نحوه توزیع خسارت میان عاملان ورود خسارت از دوره صحابه (امام علی (ع)) به فقه راه یافته است و فقیهان از دیر باز با آن آشنا بوده اند. (سراج، ۱۴۱۰ / ۱۹۹۰)

مصادیقی که در فقه اهل سنت و فقه شیعه برای تقصیر زیان دیده می توان شمرد با لحاظ برخی مصادیق اختلافی، یکسان می باشند؛ از این رو تنها به یک مورد اشاره می شود.

۹-۲-۱- خسارت ناشی از بازی کودکان: چنانچه دو کودک به هنگام بازی با یکدیگر برخورد کنند و یکی از آنان، دیگری را بر زمین بزند و استخوان ران کودک بشکند و درمان هم نشود به گونه ای که دیگر مانند گذشته نتواند راه برود، در این صورت، عاقله کودک خطا کار باید ۵۰۰ دینار به کودک مسدوم بپردازد؛ زیرا دیه و خسارت پیش بینی شده ۱۰۰۰ دینار است که ۵۰۰ دینار آن به خاطر نقش فعل مسدوم در بروز خسارت کسر می شود. بنابراین عامل زیان باید نیمی از دیه را بپردازد. (سراج، ۱۴۱۰)

۱۰- نتیجه گیری

بررسی تطبیقی تقصیر در نظام حقوق غرب و ایران آشکار می سازد، که حقوق کیفری انگلیس، تقصیر را در جه بندی کرده و بین تقصیر و قصور تفاوت قائل شده و در جات تقصیر را هم درجه بندی کرده اند، و براین باورند، که برخی بی احتیاطی ها عواقب شدیدتری از جرایم عمدی دارند. و اینها حسن حقوق کیفری انگلیس نسبت به حقوق کیفری ایران است. حقوق فرانسه تقصیر را در معنای موسع آن بکار برده که اعم از جرایم عمدی و غیر عمدی می باشد. قانونگذار در حقوق کیفری ایران تقصیر را تعریف نکرده و تنها به ذکر مصادیق آن در تبصره ماده ۱۴۵ ق.ن.ا. ۱۳۹۲، اشاره کرده است و در متن ماده ۱۴۵ قانون مزبور تحقق جرایم غیر عمدی را منوط به احراز تقصیر مرتکب نموده است، یعنی رفتار مجرمانه باید با تشکیل پرونده کیفری در دادسرا و جمع آوری دلایل ارتکاب جرم و تحت تعقیب قرار گرفتن مرتکب انجام شود. آنگاه با صدور کیفرخواست و طرح دعوی کیفری در دادگاه، مرتکب در صورت احراز بیگناهی در دادگاه کیفری از مجازات معاف می شود. بنابراین حقوق کیفری ایران معتقد به تفسیر مضیق از تقصیر بوده و آن را صرفاً شامل جرایم غیر عمدی آنها به شرط احراز تقصیر مرتکب در دادگاه، می داند. در حقوق



کیفری ایران از تقصیری صحبت می کنیم که ضمانت اجرای کیفری دارد، به عبارت دیگر از جهل تقصیری حرف می زیم نه از جهل قصوری، یعنی جهلی که امکان پیش بینی نتایج عمل مرتکب بر زیان دیده وجود دارد و زمانی این فرد را تعقیب کیفری می کنیم که این تقصیر همراه با التزام بوده و فاعل توان انجام و خودداری از آن فعل را داشته باشد و این دو شرط عام مجموعی بوده و باهم بودن آنها در تحقق تقصیر مرتکب ضروری می باشد. به نظر می رسد تقصیر در حقوق کیفری ایران قربانی سیاست تقیینی قانونگذار شده است، بطوری که در مادتهای ۸۸ و ۸۹ ق.م.ا ۱۳۹۲، در باره مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، قانونگذار از ضابطه نوعی استفاده نموده و ملاک مسئولیت اطفال و نوجوانان را سن آنها قرار داده و شرایط عامه تکلیف را در پذیرش مسئولیت اطفال و نوجوانان لحاظ نکرده است و معتقد است چون اطفال و نوجوانان اراده دارند لذا تقصیر کا رمی باشند و در صورت احراز سن در ماده ۸۸ قانون مزبور باید محاکمه شوند، در حالی که حقوق انگلستان از نوعی ضابطه بنام ضابطه شخصی استفاده نموده و ملاک پذیرش مسئولیت شرایط عامه تکلیف می داند. و کودکان را به خاطر عدم درک جزایی مصون از کیفر می داند و معتقد است در چنین شرایطی اراده مطرح نبوده و شرایط عامه تکلیف مطرح می باشد. همچنین بررسی دیدگاه های فقیهان از لایه لای کتب فقهی آشکار می سازد که هر چند در فقه «اقدام» به عنوان یک قاعده فقهی مطرح شده و اقدام زیان دیده به عنوان یک عامل رافع مسئولیت کیفری به شمار آمده است، ولی این بدان معنا نیست که فقیهان تقصیر زیان دیده را نادیده انگاشته باشند و همانند حقوق رم، در صورتی که تقصیر زیان دیده و عامل ورود زیان هر دو در وقوع خسارت سهیم باشد، زیان دیده از مطالبه کامل خسارت محروم می باشد، اما در صورتی که تقصیر زیان دیده در کنار تقصیر دیگری قرار گیرد، زیان دیده به اندازه ای که خطای خودش در بروز مسئولیت دخالت نداشته حق رجوع به شریک مقصر را دارد. و معیار تقسیم مسئولیت بر اساس میزان تأثیر یا نحوه مداخله هر یک اسباب در وقوع خسارت می باشد. لازم به ذکر است دیدگاه های فقه اهل سنت و شیعه با لحاظ برخی مصادیق اختلافی، در این خصوص یکسان می باشد.

منابع

الف فارسی

- ۱- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۵). **حقوق جزای عمومی**، انتشارات میزان، جلد اول، چاپ یازدهم.
- ۲- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۸۵). **حقوق جزای عمومی**، انتشارات میزان، جلد دوم، چاپ یازدهم.
- ۳- قبله ای خوبی، خلیل. (۱۳۹۱). **آیات الاحکام حقوق مدنی و جزایی**، انتشارات سمت چاپ نهم.
- ۴- حکمت نیا، محمود. (۱۳۸۶). **مسئولیت مدنی در فقه امامیه، مبانی و ساختار**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی: معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۵- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۸۵). **حقوق تطبیقی**، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- ۶- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). **مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی**، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۷- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). **حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد، ضمان قهری**، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۸- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۹۳). **محشای قانون مجازات اسلامی بر مبنای قانون مصوب ۱۳۹۲**، انتشارات مجد، چاپ دوم.
- ۹- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۳). **حقوق جزای عمومی ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ هفتم.
- ۱۰- علیرضاپور، اسماعیل. (۱۳۹۲). **مطالعه تطبیقی تأثیر تقصیر زیان دیده بر مسئولیت مدنی در حقوق اسلامی و کامن لو**، دوره چهارم، شماره هفت، دانشگاه حکیم سبزواری، صص ۱-۲۹.
- ۱۱- نوربها، رضا. (۱۳۸۳). **زمینه حقوق جزای عمومی**، انتشارات داد آفرین، چاپ یازدهم.
- ۱۲- نوروزی، بهروز. (۱۳۹۴). **جزوه درسی حقوق جزای عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل**، مقطع کارشناسی ارشد.

ب عربی

- ۱- المراغی، میر عبدالفتاح. (۱۴۲۵). **العناوین**، قم، موسسه النشر الاسلامی، جلد دوم.
- ۲- سراج، محمد احمد. (۱۴۱۰). **ضمان العدوان فی الفقه الاسلامیه**، القاہرہ، دارالثقافہ للنشر و التوزیع.

ج انگلیسی

1. Bohlen, Francis H. (ed., 1908). **contributory negligence**, Harvard Law Review, Vol. 21. 4, p.233-260, URL://www.jstor.org/stable/1324733.



2. Fridman, G.H.L. (1999). *Torts*, London, water low publishers.
3. Golobardes, Mireia Artigot i and Frmando Gomez po mar. (2009). **contributory and comparative negligence in the law and economicis literature in. tort law and Economice**, Edited by michel faure, Edward Elgar, Cheltenham, UK.
4. games, flaming. (Apr.,1953). **Contributory negligence**, *The yale law jormal*, Vol. 62, no.5, pp.691-735
URL: <http://www.jstor.org/stable/793502> . Accessed: 2011/12/23.

Archive of SID